

پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی

«تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت با یکدیگر»

مصطفی رفسنجانی مقدم*

علی محمدیان*

چکیده

استحکام و قوام هر خانواده‌ای در درجه‌ی اول منوط به وجود حسن خلق و معاشرت نیکو در روابط بین زوجین است. این مطلب اگرچه به دلالت عقل ثابت است، اما ارشاد شرع نیز در این باره موجود بوده و پرده از زوایای گاه مبهم آن برداشته است. قانون‌گذار قانون مدنی نیز با الهام از منابع فقهی در ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م. بر این امر تأکید ورزیده است. نوشتار حاضر پس از بررسی در مهم‌ترین منابع فقه (کتاب و سنت) و با برشمردن مصادیقی از معاشرت به معروف به این نتیجه رسیده است که حسن معاشرت مذکور در آیه‌ی شریفه «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» از مفاهیم اجتماعی دوسویه بوده و عمل به آن بر هر یک از زوجین واجب است. همچنین موارد بیان شده در قرآن و روایات تمثیلی بوده و هر عملی که عقل آن را تأیید کند و عرف جامعه بر آن صحه بگذارد نیز جزء مصادیق معاشرت به معروف است. از بعد حقوقی نیز دستور حسن معاشرت مندرج در ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م. نمی‌تواند تنها یک دستور اخلاقی و بدون ضمانت اجرای قانونی باشد؛ بنابراین بایسته است قانون‌گذار با شناخت اصول اخلاقی و استخراج آنها از دل کتاب و سنت و عرف جامعه‌ی اسلامی و با تعیین معیارهای مناسب به وضع قوانین لازم‌الاجرا همت گمارد.

واژگان کلیدی

حسن معاشرت، حقوق و تکالیف زوجین، ضمانت اجرای قانونی، ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م.

*. عضو هیئت علمی و مدیر گروه معارف اسلامی موسسه آموزش عالی تابران

m.r.m135933@gmail.com

** دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه فردوسی مشهد alimohadian18@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۹، تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۰

۱- مقدمه و بیان مسئله

نهاد خانواده به مثابه جامعه‌ی کوچکی است که اعمال هر یک از اعضای آن به گونه‌ای در اعضای دیگر تأثیرگذار است. زوجین و کیفیت روابط آنها به دلیل رکن بودن همسران در خانواده، در فضای عمومی خانواده و به ویژه در فرزندان تأثیرگذاری مضاعف دارد، زیرا خانواده به صورت سیستمی متعامل - همچون سیستم بدن انسان که هر کدام از اعضای آن در تعامل با دیگری بوده و از همدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرند - هستند و اعضایی که نقش و جایگاه مهم‌تری دارند، مانند قلب و مغز، تأثیرشان در سیستم و مجموعه‌ی بدن بیشتر است.

پدر و مادر در جایگاه محوری‌ترین عنصر تعاملات خانوادگی وقتی در روابط زناشویی توجه اساسی به آموزه‌های اخلاقی داشته و به وظایف خویش پای‌بند باشند، می‌توانند هم روابط خود را سالم و جذاب کنند و هم الگوی پذیرفته و ارزنده‌ای برای انتقال مفاهیم و دستورات اخلاقی به فرزندان خود داشته باشند.

بسیاری از اندیشمندان روان‌شناسی - به ویژه آلبرت بندورا - معتقدند که بیشترین یادگیری‌ها و تأثیرپذیری‌های افراد انسانی از طریق یادگیری مشاهده‌ای و دیدن الگوهای ارائه شده، است. بر اساس نظریه‌ی وی هر چقدر الگوها از محبوبیت و جایگاه ارزشی ویژه‌ای بهره‌مند باشند، تأثیرگذاری بیشتری در الگوگیرنده‌ها دارند. همچنین وی معتقد است، والدین به عنوان اولین الگو در شخصیت کودکان اجتماعی شدن آنها، روش‌های تعامل با

دیگران، چگونگی برخورد با مشکلات زندگی و مسائل اخلاقی کودکان، تأثیر جدی و اساسی دارند (دفتر حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۴۶۰).

بدیهی است که وقتی پدر و مادر به آموزه‌های اخلاقی و اصول همسرمداری التزام جدی داشته و روابط عاطفی و اخلاقی محبت‌آمیز و مؤدبانه، دلسوزانه و دین‌مدارانه بین آنها برقرار باشد، در فرزندان خود نیز اثر گذاشته و آنها را به سوی مسائل تربیتی سوق خواهند داد. علاوه بر اینها وقتی محیط خانواده دوستانه، صادقانه، محبت‌آمیز و همراه با حس وظیفه‌شناسی و احترام باشد، فضایی آرام و معنوی به وجود خواهد آمد و این فضا در آرامش روانی، شکوفایی استعدادها و همچنین خلاقیت فرزندان مؤثر خواهد بود، زیرا یکی از شرایط عمده برای رشد عاطفی، ذهنی، فکری و روانی کودکان محیط مناسب خانواده است که این فضا در خانواده‌هایی که به حقوق متقابل و نقش‌های اختصاصی افراد ملتزم هستند، به وجود می‌آید. این گونه خانواده‌ها بیشترین شباهت را به خانواده‌ای که در روان‌شناسی به «خانواده‌ی مقتدر» معروف است، دارند. خانواده‌ی مقتدر بهترین نوع خانواده و بهترین نوع تربیتی است (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۸۷۰).

التزام همسران به حقوق اخلاقی متقابل علاوه بر آثار ذکر شده درباره‌ی فرزندان، در ترقی و رشد معنوی و تربیتی ایشان نیز تأثیرگذار است. وقتی همسران در محیطی عاطفی، دوستانه و مملو از ارزش‌های اخلاقی، عمر خود را سپری می‌کنند، آرام آرام و به صورت ناهوشیار بر کمالات و زیبایی‌های اخلاقی آنها افزوده می‌شود، زیرا همان‌گونه که محیط سالم و پاکیزه در

شخصیت و نوع کارکرد افراد تأثیر می‌گذارد، متقابلاً افراد سالم و بهنجار نیز در محیط و بهتر شدن آن مؤثرند.

تشکیل جامعه‌ی قرآنی نیز بر بنیاد خانواده و نقش مهم آن بنا نهاده شده است. قرآن کریم به خانواده اهمیت بسیار داده و نسبت به خانواده به عنوان مرکز توجه احکام، حقوق، آداب و اخلاق اهتمام ویژه‌ای مبذول داشته و جایگاه آن را با آموزه‌ها و دستورهای متعدد تحکیم بخشیده است. حساسیت محیط خانواده و اهداف بلندمدت و مقدس آن اقتضا می‌کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند و از خانه فضایی سرشار از انس و ملاحظت بسازند، زیرا خداوند زن و مرد را هدفمند در کنار یکدیگر قرار داده است و کمال آن دو را در این آمیختگی و تشکیل خانواده تعبیه کرده است. تعبیر لطیفی در آیات ۲۰ و ۲۱ سوره‌ی روم در این باره وجود دارد. خداوند در آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی مذکور پس از آنکه به حیات زمین بعد از مرگش اشاره می‌کند و پراکندگی بشر بر روی زمین برای کار و تلاش و کسب رزق و روزی را یادآور می‌شود، در آیه‌ی ۲۱ می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها»؛ «از نشانه‌های خداوند آن است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با ایشان به آرامش برسید». علامه طباطبایی ذیل این آیه چنین می‌نگارد: «خداوند زن‌ها را آفرید و در وجود آنها چیزی تعبیه کرد که موجب آرامش مردان می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۴، ص ۲۳۱).

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به آموزه‌های شرع انور در ماده‌ی ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوجین را به حسن معاشرت با یکدیگر مکلف کرده است تا از این رهگذر ابتدا سعادت خود آنها و در مرحله‌ی بعد سعادت فرزندانشان تأمین شود.

اهتمام نوشتار فرارو تبیین و شناسایی ماهیت و مبانی فقهی ماده‌ی مذکور و سپس بررسی حقوقی آن است، امری که تا حدودی مغفول مانده و شارحان قانون مدنی نیز به بسط و تشریح مفاد آن نپرداخته‌اند.

در ابتدا شایسته است واژگان کلیدی دخیل در بحث تبیین شود. از آنجا که حکم ماده‌ی مذکور از آیه‌ی شریفه «و عاشروهن بالمعروف» اقتباس شده است؛ لذا باید مراد از واژه‌ی «معروف» مشخص شود.

۲- مفهوم شناسی «معروف»

معروف اسم است برای هر فعلی که نیک بودنش به وسیله‌ی عقل یا شرع شناخته می‌شود. بر این اساس گفته شده است: «معروف در مقابل منکر به معنای چیزی است که شناخته شده و بر آن اطلاع حاصل شده است، به گونه‌ای که عقل آن را می‌شناسد و انکار نمی‌کند» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۹۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۳).

اما در باب معنای اصطلاحی آن، علامه طباطبایی در تعریف معروف می‌فرماید: «معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن، خلق نیکو، سنت‌های حسنه و آداب است» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۲۸).

۳- معروف در قرآن کریم

واژه‌های «عرف» و «معروف» بیش از ۴۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است. کاربرد واژه‌ی «معروف» در قرآن کریم متفاوت است؛ در مواردی چون آیات ۲ مجادله، ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴ آل عمران، ۱۵۷ اعراف و ۶۷ توبه به عنوان یک اصطلاح دینی به کار رفته است؛ یعنی عملی تلقی شده که از ایمان واقعی ناشی می‌شود و مطابق با دین است و در مقابلش منکر عملی است که با احکام الهی در تعارض است. بر این اساس بعضی از مفسران «معروف» را در این گونه موارد اموری دانسته‌اند که خدا انجام آن را واجب کرده و عقلاً یا شرعاً به آن ترغیب فرموده است و منکر را اموری معنا کرده‌اند که خداوند از انجام آن نهی فرموده است (طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۶۶).

بعضی از مصادیق معروف که در آیات قرآن کریم ذکر شده عبارت‌اند از: پرهیز از گناهان زشت (ممتحنه: ۱۲) و توبه و روزه (توبه: ۱۱۲). بیش از ۲۰ مورد از موارد کاربرد واژه‌ی معروف به بخش‌های حقوقی قرآن مربوط است، به ویژه در مواردی که مقررات مربوط به وظایف و فرایض اخلاقی در روابط خانوادگی و اجتماعی است، مانند رابطه‌ی میان زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، اقربا و خویشان نزدیک، برای مثال در آیه‌ی ۵ سوره‌ی نساء خداوند می‌فرماید: «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ «با سفیهان معاشرت نیکو داشته، با آنها ملایم باشید و به نحوی برخورد کنید که طبع بیسندد» یا در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی لقمان در ارتباط با پدر و مادر می‌فرماید: «وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»؛ «به پدر و مادر خود نیکی و آن طوری که کرم و مروت اقتضا

می‌کند با آنها رفتار کنید» (زمخشری، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۴۹۴). در آیه‌ی ۲۶۳ سوره‌ی بقره به دنبال مذمت انفاقی که همراه با منت‌گذاری است می‌فرماید: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذًى وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ»؛ «برخورد نیکو که مقبول طبع انسان باشد، بهتر از صدقه‌ی دادنی است که در پی آن آزار و اذیت باشد». آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی بقره واژه‌ی «معروف» را در ارتباط با حکم قصاص آورده و می‌فرماید: «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ...»؛ «کسی که از قصاص و ریختن خون قاتل بگذرد، بر صاحب دم است که در مطالبه‌ی دیه، طریقه‌ی معروف را طی کند، طریقه‌ای که مردم می‌شناسند، بر قاتل سخت‌گیری و زیاده از حق طلب نکنند». آیه‌ی ۱۸۰ سوره‌ی بقره نیز واژه‌ی «معروف» را درباره‌ی وصیت به کار برده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ». در آیه‌ی مذکور معروف اشاره به آن دارد که وصیت‌ها از هر جهت باید عقل‌پسند و عادلانه باشد، به طوری که وصیت را عرف مردم و عقلا، عملی شایسته و مدبرانه تلقی کنند. بنابراین منظور از وصیت معروف، وصیتی است که مردم می‌شناسند، وصیتی که بدون ضرر زدن به ورثه و بدون تبذیر در وصیت باشد (آلوسی، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۳۳).

در آیات ۳۲ سوره‌ی احزاب و ۲۳۵ سوره‌ی بقره، «معروف» تنها در تبیین مقررات اخلاقی در روابط اجتماعی بیان شده است. در آیه‌ی نخست پس از اینکه خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در گفتار خود با مردان بیگانه حدود و موازین شرعی را رعایت کنید تا کسانی که در دلشان مرض است به

شما طمع پیدا نکنند»، دستور می‌دهد: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ «سخنی معتدل و متعارف بگویید». در آیه‌ی بعد خطاب به خواستگاران زنانی که همسرانشان از دنیا رفته‌اند و ایشان هنوز در عده‌ی وفات هستند می‌فرماید: «وعده‌های پنهان با آنها مگذارید و سخنانتان با آنها به گونه‌ای باشد که شرع و عرف آن گونه سخن را برای ایشان می‌پسندد».

اگر در این آیات اموری چون سخن، مصاحبت، طریقه و روش وصیت، همنشین معروف شده‌اند، حاکی از این است که در بسیاری از کارها باید آداب اجتماعی جامعه و زمان لحاظ شود.

ناگفته نماند مفهوم معروف در قرآن کریم را می‌توان از طریق واژه‌های متقابل مثل «مُنْكَر» نیز شناسایی کرد (کهف: ۸۷؛ حجر: ۶۲؛ مجادله: ۲).

از نظر قرآن کریم اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین معاشرت به معروف است که به صراحت در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نساء به آن اشاره شده است. معاشرت به دلیل ساختار واژگانی (باب مفاعله) از مفاهیم اجتماعی دو سویه است که هرگاه قید و پسوندی بدان افزوده نشود، گزینه‌های چندی در آن جای می‌گیرد؛ معاشرت مردان با مردان، زنان با زنان، مردان با زنان در جامعه و مردان با زنان در درون خانواده که مهم‌ترین آنها گزینه‌ی اخیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۴۳؛ معلوف، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۱۱۲۵).

در آیه‌ی شریفه‌ی مورد بحث، خطاب معاشرت به معروف به شوهران، صراحت و شفافیت کاملی دارد، اما به یقین چنین خطایی هرگز دلیل بر آن نمی‌شود که این اصل اخلاقی در باور قرآنی در باب همسران، با توجه به

هدف از ازدواج و فلسفه‌ی آفرینش همسران^۱ یک طرفه باشد. چنین فلسفه‌ای اقتضا می‌کند که هر یک از همسران با دیگری به شکل محبت‌آمیز رفتار کند و تنها رفتار یکی از آنها طبق این آیه، هرگز نمی‌تواند آرامش طرفینی را حاصل آورد. حتی برخی از محققان محدوده‌ی مخاطبان را فراتر از زندگی خانوادگی قرار داده و گفته‌اند: «اگرچه در آیه‌ی شریفه‌ی «و عاشروهن بالمعروف» به مردان خطاب می‌شود، لیکن این خطاب به شوهران اختصاص ندارد. این جمله افزون بر آنکه شامل حسن معاشرت مرد در مقابل زن و زن در مقابل مرد می‌شود، ممکن است شامل چگونگی رابطه‌ی برادر با خواهر یا همکار مرد با همکار زن هم بشود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۱۴۳). اما اینکه چرا خطاب برای شوهران است؟ در پاسخ می‌توان گفت که با دقت و تأمل در آیات قرآن و با مراجعه به تاریخ، رفتار مستبدانه و ظالمانه‌ی اعراب با زنانشان روشن می‌شود؛ لذا با حاکمیت فرهنگ‌های جاهلانه و ظالمانه از سوی مردان، طبیعی و منطقی است که برای فرهنگ‌سازی صحیح باید از آنها شروع کرد. آیاتی نظیر «و عاشروهن بالمعروف» با هدف حمایت از ارزش و منزلت و تأمین حقوق قانونی و اخلاقی زنان نازل شده است. به علاوه از آنجا که ریاست خانواده بر عهده‌ی مرد است، مقتضی آن است که نوعاً دست شوهران در تصمیمات مربوط به زناشویی بازتر باشد و به دلیل آنکه در بسیاری از موارد در عصر نزول آیات، مردان با زنان به معروف معاشرت نمی‌کردند، خداوند در قرآن کریم مکرر آنها را به این رفتار امر کرده است؛

۱. روم: ۲۱

لذا این صراحت به معنای یک طرفه بودن این نوع رفتار نیست، بلکه در فرهنگ قرآنی هر یک از همسران باید «حسن معاشرت» داشته باشند (قربان‌نیا و حافظی، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

صاحب تفسیر المنار، در این باره می‌گوید: «در مفهوم معاشرت، مشارکت و برابری نهفته است، یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنند و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه‌ی معروف معاشرت داشته باشند» (رشید رضا، ۱۹۹۵: ج ۴، ص ۴۵۶).

مرحوم طبرسی در توضیح آیه‌ی «و عاشروهن بالمعروف» به برخی از مصادیق معاشرت به معروف نسبت به همسر اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مقصود همزیستی مطابق با فرمان خداوند است که ادای حقوق زن باشد، مانند حق بهره‌وری جنسی، پرداخت نفقه و سخن زیبا، معروف آن است که آزار جسمی و گفتاری به زن روا ندارد و در رویارویی با او گشاده‌رو باشد...» (طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۲۵).

ابن کثیر مصادیق معاشرت به معروف را نسبت به زن چنین برمی‌شمارد: «معاشرت به معروف یعنی با همسرانتان خوش زبان و خوش رفتار باشید، خود را بیارایید، همان سان که دوست دارید همسرانتان خود را برای شما بیارایند، شما نیز همان کنید که از همسرانتان می‌پسندید» (ابن کثیر، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۶۶۶).

قرطبی در تفسیر خود نیز به مصادیقی از حسن معاشرت به همسر اشاره کرده و می‌نویسد: «حسن معاشرت با زنان به این است که مرد حقوق زن از مهر و نفقه را به طور کامل بپردازد و در برابر زن بدون سبب رو ترش نکند،

در سخن گفتن گشاده‌رو باشد و به کس دیگری اظهار تمایل نکند. خداوند حسن معاشرت با همسر را سفارش کرده است تا ادامه زندگی و مصاحبت و هم‌زیستی ایشان کامل باشد، چه آنکه حسن معاشرت روان را آرام‌تر و زندگی را گوارتر می‌کند» (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۵، ص ۹۷).

زمخشری و فخر رازی نیز حسن معاشرت را عدالت در هم‌خوابی میان زنان - اگر مرد بیش از یک همسر داشته باشد - پرداخت نفقه‌ی زن و نرم‌خویی دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ص ۱۲).
وهبه زحیلی از قرآن پژوهان و مفسران معاصر، به هنگام بر شمردن حقوق شوهر بر زن، از حقوق برخوردار معاشرت به معروف یاد می‌کند (زحیلی، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۳۲۷).

اگرچه در بادی امر از کلام مفسران این گونه به دست می‌آید که حسن معاشرت یکی از وظایف شوهر نسبت به همسر خویش است؛ ولیکن به کمک قرائنی همچون فعل «عاشروهن» که ویژگی اشتراک و دوسویه بودن دارد و همچنین اکتفای مفسران به مصادیقی چند از حسن معاشرت در تحلیل این آیه و اشاره‌ی ضمنی برخی از ایشان به مشترک بودن این حق و دلیل واقع شدن آیه‌ی شریفه برای برخی از مصادیق حسن معاشرت نسبت به زن و شوهر مثل تمکین و نفقه^۱ می‌توان اشتراک این حق و دوسویه بودن آن را از آیه نتیجه گرفت. نکته‌ی دیگری که توجه به آن ضروری است، شرایط خاص حاکم در زمان نزول آیات مثل قرین بودن به دوره‌ی جاهلیت

۱. طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۳۲۴؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ج ۷، ص ۳۲۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ص ۳۰۲.

و ظلم مردان علیه زنان و دختران است، زیرا چه بسا اقتضای شرایط موجود بر این بوده که خطاب آیهی شریفه در نگاه اول به مردان باشد و مؤید آن هم، شأن نزول آیهی شریفهی مزبور در بحث ظلم به حق زوجه در موضوع ارث است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۲۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۱۴۰). شاید بتوان آمدن فعل در باب مفاعله را از ظرایف و لطایف آیات قرآن در این آیه نام برد که علاوه بر تأکید بر حسن معاشرت با همسر (به دلیل ضمیر متصل مفعولی) مشترک بودن این حق را نیز گوشزد می‌کند.

۴- معروف و حسن معاشرت در روایات

اصل معروف از مهم‌ترین اصول حاکم بر خانواده است که علاوه بر آیات قرآن، در روایات نیز به آن توجه شده است. رسول خدا (ﷺ) می‌فرمایند: «معروف و اهلش نخستین وارد شدگان به بهشت و نخستین وارد شدگان بر من در کنار حوض کوثر هستند» (حر عاملی، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ص ۳۰۳). امام صادق (ع) می‌فرمایند: «برای بهشت دری است به نام معروف، از آن در، جز اهل معروف وارد نمی‌شوند و اهل معروف در دنیا همان اهل معروف در آخرت‌اند» (همان: ۳۰۴).

کاربرد این اصل در سیره‌ی نبوی و سراسر زندگی پر برکت پیامبر خاتم (ﷺ) در عمل در رفتار ایشان با همسرانشان ترسیم شده است. در سیره‌ی نبوی مشاهده می‌شود که پیامبر اسلام (ﷺ) همسران خود را بسیار احترام و تکریم می‌کردند و به خصوص برای حضرت خدیجه (ع) احترام خاصی قائل بودند، چنان‌که حتی پس از مرگ آن بانوی بزرگوار نیز حرمت ایشان را

نگه داشته و پیوسته از ایشان به نیکویی یاد می‌کردند و با خویشان و دوستان حضرت خدیجه رفتار بسیار احترام‌آمیزی داشتند (همان: ۹۳).

روایات بسیاری در باب حسن معاشرت و چگونگی رفتار با زوجین وارد شده است که به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

● پیامبر اکرم (ﷺ) می‌فرمایند: «به سفارش من درباره‌ی زنان خود عمل کنید تا از سختی حسابرسی رهایی یابید. هرکس سفارش مرا پاس ندارد وضع او در پیشگاه خداوند سخت خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ص ۲۴۹).

● ایشان در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «بهترین مردم در دین باوری کسانی هستند که با همسرانشان بهتر (و انسانی‌تر) رفتار کنند و من از همه‌ی شما به خانواده مهربان‌ترم» (همان: ج ۸، ص ۵۰۷).

● امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در وصیت خود به محمدبن حنیفه می‌نویسند: «با همسر خود خوش صحبت باش، چه در گفتار و چه در کردار، همراه خوبی باش تا خوشی زندگی‌ت کامل شود» (حر عاملی، ۱۴۰۴: ج ۸، ص ۵۰۵).

● امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «هر چه ایمان بنده افزون شود، محبت او به زنان فزونی می‌یابد» (همان: ج ۱۴، ص ۱۱).

شیخ طبرسی سه پیام را در نمونه‌های عملی معروف با توجه به سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) نقل می‌کند:

الف - انصاف و میانه‌روی در تقسیم همخوابی و نفقه، آن‌گاه که مرد بیش از یک همسر داشته باشد؛

ب - مرد کاری انجام ندهد که سبب رنجش خاطر همسر شود، سخن زشت به او نگوید و با گشاده‌رویی و ملاحظت با او برخورد کند؛

ج - زن نیز با همسر خویش خوش رفتار باشد و در برآوردن نیازهای وی کوتاهی نکند (طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۴).

شیخ طوسی نیز معاشرت به معروف را در برآوردن حقوق واجب زن دانسته است (طوسی، ۱۴۱۹: ج ۳، ص ۱۵۰). شیخ در این باره روایتی نیز از اسحاق ابن عمار به نقل از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: «از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم حق زن بر شوهر چیست که اگر آن را انجام دهد نیکوکار (و معاشر به معروف) خواهد بود؟ امام (علیه السلام) فرمودند: نیازهای مادی و عاطفی وی را برطرف کند و از لغزش‌هایش درگذرد» (حر عاملی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۳۱).

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، حاکمیت فرهنگ جاهلانه موجب شده است که مخاطب کلام اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر مردان باشند تا از برخورد غیراخلاقی با زنان اجتناب کنند؛ افزون بر این، از آنجا که ریاست خانواده بر عهده‌ی مرد و قدرت اجرایی وی در این باره بیشتر است، این خطابات بیشتر متوجه مردان بوده است، بنابراین وجود چنین خطباتی به معنای یک طرفه بودن حسن معاشرت نیست، بلکه در فرهنگ اسلامی حسن معاشرت بر هر یک از زوجین واجب است.

از مطالبی که بیان شد می‌توان به این نتیجه و جمع‌بندی رسید که معروف و حسن معاشرت هر فعلی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن، خلق نیکو، سنت‌های حسنه و آداب است، به گونه‌ای

که عقل آن را می‌شناسد و انکار نمی‌کند. به عبارت دیگر عمل هر یک از زن و شوهر به وظایف حقوقی و اخلاقی خود، به حسب قوانین شرعی و الزامات عقلی و عرفی مؤید دین، در زمره‌ی مصادیق معاشرت به معروف تلقی می‌شوند.

۵- تحلیل حقوقی حسن معاشرت

از آنچه بیان شد، به اجمال چنین مستفاد می‌شود که اگر زوجین با یکدیگر بدرفتاری و خشونت نکنند و موجب آزار و اذیت یکدیگر نشوند، در واقع با یکدیگر حسن معاشرت دارند. در خصوص اینکه اصولاً چه مواردی حسن خلق محسوب شده و مصادیق حسن خلق کدام‌اند، حقوق‌دانان به عرف احاله داده‌اند. حسن سلوک، مفهوم عرفی دارد و بر حسب زمان و مکان و آداب و رسوم اقوام، طوایف و خانواده‌ها فرق می‌کند. عادات و رسوم اجتماعی و درجه‌ی تمدن، فرهنگ و نیز اخلاق مذهبی و رفتاری در میان هر قوم مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می‌آورد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۱۵۹). لوازم حسن معاشرت را نمی‌توان به دقت تعیین کرد. به علاوه برخی از حقوق‌دانان معتقدند، در حریم خانه نفوذ قانون و التزام برای تحقق مفاد آن بدون پشتوانه‌ی اخلاقی، امری غیرممکن است (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

به اجمال می‌توان گفت، تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود (مانند ناسزاگویی، مشاجره و تحقیر) یا اموری که با عشق به خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد (مانند ترک خانواده، بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او و اعتیاد مضر) از مصادیق سوء معاشرت است و

هر رفتاری که همراه با خوش‌رویی و مسالمت و صمیمیت باشد، از مصادیق حسن معاشرت است (همان: ۱۲۲).

در حقوق ایران، معنای آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نساء در ماده‌ی ۱۱۰۳ قانون مدنی در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر و یا به عبارتی تکالیف مشترک زوجین وارد شده است. مطابق این ماده «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند». به عقیده‌ی برخی از حقوق‌دانان، منظور ماده‌ی فوق از حسن معاشرت زوجین با یکدیگر در حدود عرف و عادت و زمان و مکان است. بنابراین زن و شوهر باید با خوش‌رویی و مسالمت با یکدیگر زیسته، بدون داد و فریاد و ناسزا و مجادله روزگار بگذرانند (امامی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۴۳۰).

زوجین، ضمن نکاح، داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی هم شریک باشند. همسری زن و مرد به این معنی است که سلوکشان با هم با خوش‌رویی، مسالمت و مهربانی آمیخته باشد و از اعمالی که منجر به ایجاد کینه یا غم و اندوه فراوان در دیگری است، بپرهیزند (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۱۹).

در قانون مدنی ایران، «حسن معاشرت» از سایر حقوق و تکالیفی که زوجین در برابر یکدیگر دارند، جدا نیست؛ لذا مواد ۱۱۰۴ ق.م.د.ب. دربارهی همکاری در تشدید مبانی خانواده، ۱۱۰۵ ق.م.د.ب. دربارهی ریاست خانواده، ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ ق.م.د.ب. دربارهی نحوه‌ی تعیین زندگی مشترک، ۱۱۱۷ ق.م.د.ب. دربارهی منع زن از اشتغال به حرفه‌ی خاص و ۱۱۱۸ ق.م.د.ب. دربارهی استقلال

پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی

زن در دارایی خود موادی مستقل از ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م.ن هستند، بلکه مواد مذکور برای تعیین مصادیق مفهوم حسن معاشرت‌اند و رعایت این حقوق و تکالیف از سوی زوجین جزء عناصر تشکیل دهنده‌ی این مفهوم است (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۷: ۸). برخی از محققان نیز معتقدند بین مفهوم حسن معاشرت مندرج در ماده‌ی ۱۱۰۳ و موارد فوق، نسبت عموم و خصوص برقرار است (داور، ۱۳۸۰: ۳۳؛ صبری، ۱۳۸۳: ۸۱).

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان، دستور حسن معاشرت مندرج در ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م.ن تنها یک دستور اخلاقی نیست و ضمانت اجرای قانونی دارد (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)، ولی به عقیده‌ی بعضی شارحان قانون مدنی، مدلول این ماده ارشادی است و تخلف از آن اثر حقوقی جزایی ندارد، مگر اینکه سوء معاشرت تشدید شده و منجر به نشوز شود (حائری شاه‌باغ، ۱۳۷۶: ۲، ص ۹۶۴). با این حال برای اثبات ضمانت اجرای ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م.ن می‌توان دلایلی را اقامه کرد که ثابت کند حسن معاشرت علاوه بر جنبه‌ی اخلاقی، ضمانت اجرای حقوقی نیز دارد. این دلایل به شرح زیر است:

اول اینکه با استناد به ماده‌ی ۱۱۰۸ ق.م.ن (خودداری از پرداخت نفقه به زن در صورت امتناع از وظایف زوجیت)؛ زیرا سوء معاشرت زن استحقاق او را در دریافت نفقه از بین می‌برد، یا سوء رفتار مرد موجب استحقاق زن در درخواست طلاق می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

در توضیح مطلب باید گفت، انجام دادن وظایف زوجیت که در ماده‌ی مزبور از عوامل استحقاق نفقه قلمداد شده است، در دو فرض تمکین عام و

تمکین خاص مطرح می‌شود. تمکین خاص به معنای برآوردن درخواست‌های جنسی شوهر و تمکین عام به معنای حسن معاشرت زوجین در تشدید مبانی خانواده، معاضدت در تربیت فرزندان، انجام دادن وظایف خانوادگی و پذیرفتن ریاست شوهر بر خانواده است. اقامت در اقامتگاه دائمی شوهر و خودداری از سوء رفتار یا انتخاب شغلی مغایر با شئون اخلاقی و وظایف زناشویی نیز از مصادیق تمکین عام است. از آنجا که حسن معاشرت، انجام دادن وظایف حقوقی و اخلاقی است، جزء مصادیق تمکین عام به حساب می‌آید؛ لذا می‌توان کسی را که وظایف واجب همسری خود (همچون تمکین عام) را ترک کند، به سوء معاشرت متهم و طبق ماده‌ی مذکور عمل کرد (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۸۷).

دوم اینکه ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م. به خودی خود ضمانت اجرا ندارد، بلکه تخلف زوجین با توجه به مصادیق آن ضمانت اجرا می‌یابد؛ اگر گفته شود ضمانت اجرای هر ماده با دیگری متفاوت است، در جواب می‌توان گفت موارد مربوط تمام یا قسمتی از مصادیق حسن معاشرت را تبیین می‌کنند و اگرچه شاید بتوان گفت استحقاق نفقه یا اذن در طلاق، ادله‌ی مستقل و مرتبط با خود دارند، لکن در فرض نبود دلیل خاص و مستقل این ماده قابلیت دارد که به استناد سوء معاشرت و ایجاد حرجی که به سبب آن حاصل شده است، شبیه این احکام (استحقاق نفقه یا اذن در طلاق) را اجرا کند.

سوم اینکه تنها موارد ذکر شده در قانون، مصداق حسن معاشرت و تخلف از آن نیست. زیرا طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، می‌توان به منابع معتبر

اسلامی و فتاوی معتبر نیز رجوع کرد. بنابراین مصادیق حسن معاشرت تنها منحصر در مصادیق احصاء شده در قانون مدنی نیست (داور، ۱۳۸۲: ۳۵).

۶- مصادیق معاشرت به معروف در کتاب و سنت

در منطق قرآن کریم، اصل معاشرت به معروف، یکی از اصول اساسی حاکم بر روابط همسران است. چنین اصلی در روابط همسران، یک اصل اخلاقی است که به دلیل قرابت اخلاق و حقوق، در زمره‌ی مبانی و قواعد حقوقی حاکم بر روابط همسران نیز درآمده است. دین مبین اسلام به نهاد خانواده نظری خاص داشته و آیات و روایات بسیاری در چگونگی تعامل میان زوجین و حقوق و تکالیف هر یک از ایشان وارد شده است. معاشرت به معروف، از لوازم رسیدن به آرامش است که باعث دوام و قوام زندگی مشترک زوجین خواهد شد. مصادیق معروف در روابط خانوادگی، گاه از جانب شوهر و گاه از جانب زن خواهد بود.

۶-۱- مصادیق عمل به معروف از جانب شوهر

از آنجا که در آیین مبین اسلام، مدیریت خانواده بر عهده‌ی مرد نهاده شده است؛ لذا تکلیف او در این خصوص بیشتر و مسئولیت وی سنگین‌تر خواهد بود. طبق آموزه‌های دینی مرد موظف است مانند امانتی الهی با همسر خود برخورد کرده و حقوق وی را به نحو کامل رعایت کند. در ذیل به پاره‌ای از مصادیق لزوم عمل به معروف از جانب زوج که در قرآن و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آنها تأکید شده است، اشاره می‌شود.

۶-۱-۱- عمل به معروف با مادر فرزند

درباره‌ی عمل به معروف با مادر فرزند، آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته در مدت شیر دادن بپردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد. هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (هزینه‌ی مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین کند). و اگر آن دو با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست به شرط اینکه حق گذشته‌ی مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید! و بدانید خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست!».

این آیه عمل به معروف با مادر فرزند را در سه مورد بیان می‌کند:

الف - عمل به معروف در تأمین رزق مادر فرزند از جانب همسر؛

ب - عمل به معروف پدر با مادر طفل در صورت توافق نکردن بر سر

شیر دادن فرزند؛

ج - عمل به معروف در مشورت پدر و مادر راجع به مسائل فرزند.

الف- عمل به معروف در تأمین رزق مادر

با باروری زن و تغییر شرایط جسمی و روحی او، شریعت تهیهی مخارج زندگی او را بر عهدهی مرد می‌گذارد و از آن با لفظ «رزق» تعبیر می‌کند، زیرا رزق معنای وسیعی دارد که شامل نیازهای مادی و معنوی زن می‌شود. نیاز معنوی مثل اینکه پدر شرایط حیات طیبه را فراهم کند؛ چرا که خدمت به زن، خدمت به فرزندی است که ثمره‌ی زندگی آنهاست و در اینجا مادر به مثابه رابطی است که با مشورت خود، جسم و جاننش را در اختیار فرزند قرار می‌دهد. پس باید جان و روح مادر، هر دو از جانب پدر تأمین شود. آوردن کلمه‌ی رزق، بلاغت و زیبایی قرآن را نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۵۲).

قرآن همچنین با آوردن کلمه‌ی رزق بر نتایج تربیتی و معنوی تغذیه‌ی مادر بر کودک تأکید می‌ورزد، زیرا مهم‌تر از تغذیه‌ی صحیح مادر، حفظ روحیه‌ی مادر است، به طوری که اشتیاق زیاد مادر به تغذیه‌ی نوزاد، شیر او را افزایش می‌دهد و بی‌میلی به شیر دادن یا عصبانیت مادر شیر او را کم می‌کند. پس دیده می‌شود که تأمین روحیه‌ی مادر، از تأمین نیاز مادی مهم‌تر است؛ برای مثال علاقه‌ای که شوهر در این دوران به همسر خود نشان می‌دهد، در شیر مادر بسیار اثر دارد (هایدا، ۱۳۷۷: ۱۷۳؛ هورنی، ۱۳۸۲: ۲۰۲).

سکونت نیز یکی از مواردی است که معنای رزق را شامل می‌شود، یعنی مادر بچه به محیطی احتیاج دارد که بتواند در آنجا احساس آرامش کند و توجه همسر به زن، نوعی حمایت از حریم نفس، مال و عرض وی است

که باعث دلگرمی او می‌شود. در نتیجه حمایت صحیح پدر اعم از مادی و معنوی موجب می‌شود مادر، طفل خود را به خوبی تربیت کند. اما نکته‌ی مهم اینجاست که قرآن بعد از بیان رزق و کسوه آن را مقید به معروف کرده است، یعنی پدران باید در تأمین نیاز مادی و معنوی همسر خود آنچه را که شایسته و متعارف و متناسب حال زن است، در نظر بگیرند، نه سخت‌گیری کنند و نه اسراف (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۸۹).

ب- عمل به معروف با مادر طفل در صورت توافق نکردن بر شیر دادن چنانچه مادر طفل حاضر به شیر دادن فرزند خود نباشد، باید پدر فرزند در نظر داشته باشد که احترام به شخصیت مادر برای کودک مهم است و طبق این قسمت آیه: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ نَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ»؛ «اگر (با ناتوانی یا موافقت نکردن مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید» (بقره: ۲۳۳). اگر همسر طلاق بگیرد و به فرزند شیر ندهد، مرد نه تنها حق ندارد درصدد انتقام‌جویی برآید، بلکه موظف است با پرداخت اجرت، حقوق معنوی او را که در حقیقت حفظ احترام او در نزد فرزند است، رعایت کند یا اگر همسر به خاطر بیماری به طفل شیر ندهد، عمل به معروف اقتضا می‌کند که در طول مدت شیردهی مراقب حال روحی و روانی مادر باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۹۰).

۶-۱-۲- عمل به معروف در مراحل طلاق

کلمه‌ی معروف در آیات مربوط به احکام طلاق ۱۲ مورد است. این امر نشان دهنده‌ی عنایت پروردگار به مسائل حقوقی زنان مطلقه است. تکرار این کلمه در بحث طلاق گویای آن است که شوهر باید مصلحت خانواده را در نظر بگیرد و از حقوق خود سوء استفاده نکند. در این باره چند آیه برای نمونه ذکر می‌شود:

الف - پرداخت کالا به زن در هنگام طلاق

آیه‌ی ۲۴۱ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلٰی الْمُتَّقینَ»؛ «برای طلاق داده شدگان، بهره‌ای است به شایستگی و حقی برای مردم پرهیزگار».

این آیه به استمرار ارتباط انسانی با زنان مطلقه اشاره کرده و می‌فرماید با وجودی که رابطه‌ی زوجیت قطع شده، به زن کالایی داده شود. علامه طباطبایی این آیه را شامل تمام زنان مطلقه می‌داند و معتقد است که هدیه به تمام زنان مطلقه مستحب است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۵۹).

از ظاهر عبارت «مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ» چنین برمی‌آید که شایسته است مردی که نفقه‌ی همسر خویش را در طول زندگی مشترک بر عهده داشته و حالا به سببی می‌خواهد از او جدا شود، متناسب با نیازهای اساسی او وسایلی مهیا کند که او با جدایی از مرد دچار مشکل نشود.

ب- عمل به معروف در پرداخت مهرالتمعه به زن مطلقه

آیه ی ۲۳۶ سوره ی بقره می فرماید: «لا جناح علیکم ان طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ اَوْ تَفْرُضُوا لِهِنَّ فَرِيضَةً وَتَعُوهُنَّ عَلٰی الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَ عَلٰی الْمَتَرَقِّ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلٰی الْمُحْسِنِينَ»؛ «اگر زنان را، مادامی که به آنها نزدیکی یا برای ایشان مهری معین نکرده‌اید، طلاق دهید، بر شما گناهی نیست که آنان را به طور پسندیده به نوعی بهره‌مند کنید. توانگر به اندازه‌ی توان خود و تنگدست به اندازه‌ی وسع خود، این کاری است شایسته‌ی نیکوکاران».

این آیه در مورد شخصی است که هنگام ازدواج، مهریه‌ای برایش معین نشده است و مرد قبل از شروع زندگی بخواهد او را طلاق دهد. مطابق این آیه در این حالت مرد باید به زن مهریه‌ای پردازد که مقدار آن بر حسب توانایی مالی مرد سنجیده می‌شود و به آن «مهرالتمعه» می‌گویند. بنابراین مهرالتمعه کالایی است که زن در زندگی و مطابق با مقتضیات فردی و اجتماعی از آن بهره‌مند می‌شود. هر چند که تصور می‌شود «حَقًّا عَلٰی الْمُحْسِنِينَ» بیانگر مستحب بودن مهرالتمعه است، اما طبق روایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، دادن مهرالتمعه واجب است. به عبارت دیگر، در این آیه احسان در کنار معروف قرار گرفته و هر دو به عملی با صبغه و رنگ الهی تأکید دارند که فراتر از عدالت است، زیرا عدالت اصل است، اما عفو غیر اصل است و در بعضی موارد خاص استفاده می‌شود. از طرف دیگر، اضافه شدن قید معروف به کلمه‌ی متاع به عنوان «مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ» جمع شرط و مشروط است، یعنی پرداخت متاعی مورد نظر است که مطابق با نیاز اجتماعی زن در

هنگام طلاق باشد و زن بتواند از آن بهره ببرد و مرد تنها با رعایت این شرط از احسان کنندگان محسوب می‌شود، البته وضعیت اقتصادی مرد هم مدنظر است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۵۶).

ج- رفتار معروف با زن بعد از بازگشت به زناشویی

آیه ۲۲۹ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا...»؛ «طلاق رجعی دو بار ممکن است، پس از آن باید زن را به خوبی نگاه داشت و یا به شایستگی آزاد کرد و بر شما روا نیست که از آنچه به آنها داده‌اید، بازستانید». مطابق این آیه مرد بعد از اجرای صیغه‌ی طلاق، در طول مدت عده نمی‌تواند بیش از دو بار به همسر خود رجوع کند، اگرچه قصد اصلاح هم داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۴۴). آیه‌ی شریفه شوهر را مخیر بین امساک یا تسریح می‌کند. امساک به معنای پیوستن بعد از گسستن و بازگشت بعد از جدایی و تسریح به معنی رها کردن زن است. رمز همراهی امساک با معروف و تسریح با احسان در این است که امساک دو بعد لازم دارد که اسلام امساک به معروف را جایز دانسته و امساک غیر معروف را جایز ندانسته است.

در فرض امساک زن، همین مقدار کافی است که نگهداری او به شکل معروف باشد، به عبارت دیگر، منظور مرد از رجوع به زن، اذیت و آزار نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۲۴۴؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۱۰).

نکته‌ی دیگر اینکه ملاک تشخیص حسن معاشرت مرد در خانواده، انتساب او به صفت تواضع است. تواضع نشان از خشوع در قلب است که در عمل مرد بروز می‌کند. بر اساس روایات موجود در کتب روایی تواضع و فروتنی و مدارا کردن بهترین نماد ایمان و حسن خلق است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۱۷۵).

۶-۲- مصادیق عمل به معروف از جانب زن در کانون خانواده

معاشرت به معروف تنها وظیفه‌ی زوج نیست؛ بلکه همان‌گونه که گفته شد، آیه‌ی شریفه‌ی «عاشروهنّ بالمعروف» از مفاهیم اجتماعی دوسویه است؛ بنابراین زنان نیز به مثابه مردان در رفتار متقابل خانوادگی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف عمل کنند همسان و برابر بوده و وظایفی به شرح ذیل بر دوش آنها قرار دارد:

۶-۲-۱- نگه داشتن عده

از وظایف خاص زن، حفظ منافع خانوادگی در ابعاد مادی، معنوی و اخلاقی است. وقتی مرد خانواده فوت کند و زن او هنوز در قید حیات باشد، در عمل وظیفه‌ی اصلی مرد در پرداخت نفقه به زن تمام شده است، اما وظیفه‌ی خاص زن یعنی حفظ حریم خانواده باقی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۴، ص ۵۱؛ امامی، ۱۳۷۲: ۹۶). در این باره آیه‌ی ۲۳۴ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...»؛ «کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، همسران چهار ماه و ده روز

انتظار می‌برند، پس هرگاه عده‌ی خود را به پایان رساندند، در آنچه آنها به نحو پسندیده درباره‌ی خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست».

یکی از ثمرات نگه داشتن عده‌ی وفات، حفظ احترام شوهر و پاسداشت حرمت حریم خانواده است. در واقع ازدواج نکردن زن می‌تواند نماد روشنی از این امر باشد، زیرا در نگاه دینی مرد مدیر خانواده محسوب می‌شود و با فوت او مدیریت و شالوده‌ی یک خانواده از هم می‌پاشد. طبیعی است که اسلام به حریم این خانواده توجه کرده و برای مدتی آن را محترم می‌داند. از سوی دیگر، این محدودیت الهی فرصتی مناسب برای زنان است که به تدریج فرصت یابند از زندگی عاطفی گذشته‌ی خود با همسرشان جدا شوند و به نوعی وجود چنین محدودیتی به دیگران نیز این اجازه را نمی‌دهد که تا زمان سپری شدن عده در فکر ازدواج با او و یا درگیر کردن فکر آن زن با انتخابی دیگر باشند.

بنابراین نگه داشتن عده، عمل به معروف از نوع واجب آن است و زنان بعد از اتمام عده می‌توانند به ازدواج مجدد اقدام کنند.

۶-۲-۲- عمل به معروف از جانب زوجه در صورت پرداخت نکردن نفقه
بر اساس روایات پیامبر اکرم (ﷺ)، چنانچه مرد نفقه‌ی زوجه را نپردازد، به زن اجازه داده شده به مقدار نیاز خود از اموال مرد برداشت کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ص ۲۳۱). البته توجه به اصل معروف در این باره ضروری است؛ به گونه‌ای که موجبات ضرر و زیان مرد را فراهم نیورد و در رفع نیاز خود وسع مالی و تنگدستی مرد را در نظر گیرد.

۷- آثار و پیامدهای حُسن معاشرت

زن و مردی که در پی تحصیل سعادت و خوشبختی به زندگی مشترک تن داده و هر یک مسئولیت‌های متعددی را در این راستا می‌پذیرند، باید بدانند که تحصیل سعادت و خوشبختی تنها با احقاق حقوق میسر نیست، بلکه آنچه در زندگی زناشویی نقش اساسی دارد، ابراز محبت و تکریم یکدیگر است. اگر این زیربنا و شالوده‌ی اصلی در زندگی وجود داشته باشد، احقاق حقوق خود به خود میسر شده و نیازی به مطالبه‌ی آن نیست.

قرآن کریم پیوند و ارتباط زناشویی را از آیات و نشانه‌های الهی و از شاه‌کارهای خلقت معرفی می‌کند: «و از نشانه‌های الهی اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانان مودت و رحمت قرار داد؛ در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم: ۲۱).

هنگامی که انسان از مرحله‌ی مجرد گام به مرحله‌ی زندگی خانوادگی می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند و این معنی احساس آرامش در سایه‌ی ازدواج است. مسئله‌ی «مودت» و «رحمت» در حقیقت شالوده و زیربنای مصالح ساختمانی جامعه‌ی انسانی است، چرا که جامعه از فرد فرد انسان‌ها تشکیل شده است، همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگ‌ها تشکیل می‌شود. اگر این افراد پراکنده و آن اجزاء مختلف با هم ارتباط و پیوند پیدا نکنند، جامعه یا ساختمانی به وجود نخواهد آمد. آن کس که انسان را برای زندگی اجتماعی

آفریده، این پیوند و ربط ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است.

فرق میان «مودت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلفی باشد:

۱- «مودت» انگیزه‌ی ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان شود و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای آن را می‌گیرد.

۲- «مودت» در مورد بزرگ‌ترهاست که می‌توانند نسبت به یکدیگر خدمت کنند، اما کودکان و فرزندان کوچک در سایه‌ی «رحمت» پرورش می‌یابند.

۳- «مودت» بیشتر جنبه‌ی متقابل دارد، اما رحمت یک جانبه و ایثارگرانه است، زیرا برای بقای یک جامعه‌گاہ خدمات متقابل لازم است که سرچشمه‌ی آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۱۶، ص ۳۹۲).

در هر حال عقد ازدواج تنها قراردادی برای قانونی کردن کامجویی جنسی نیست، بلکه پیوند همه جانبه‌ای میان دو همسر است که همه‌ی وجود آنها را به هم پیوند داده، به زندگی آنها رنگ و آهنگ تازه بخشیده و آنها را از تنهایی در می‌آورد. این حقیقت یعنی ایجاد کانون آرامش برای دو همسر، به صراحت در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم بیان شده است.

زناشویی تنها تجویز و قانونی ساختن عشق‌بازی نیست، بلکه برای این است که زن و مرد دائم به هم بیوندند تا از فرزندانشان پرستاری کرده و خودشان نیز به آرامش و سکون برسند. بنابراین هر یک از زن و شوهر به منظور توفیق در انجام دادن وظیفه‌ی حُسن معاشرت و رعایت حقوق همسر

خویش باید بکوشد روحیات همسر خویش را درک کرده و آن‌گونه که شایسته و متناسب روحیه‌ی همسرش است، او را نوازش و تکریم کند.

نقش اساسی معاشرت به معروف در روابط همسران از منظر قرآن کریم انکارناپذیر است؛ بلکه بی‌گمان شیوه‌ی فرهنگی قرآن کریم درباره‌ی نحوه‌ی رفتار همسران با یکدیگر، از ارزش‌های اخلاقی درخور توجه به شمار می‌آید.

قرآن کریم در ادامه‌ی آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نساء می‌فرماید: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ «و اگر از زنان خوششان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد». بر این اساس حفظ نظام خانواده و شرافت آن باید باقی باشد، هر چند به بهای صبر بر مشکلات و تحمل ناخوشایندی‌ها (قرائتی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۳۰۳)؛ لذا در آیه‌ی شریفه به مردان سفارش شده که به همسرانشان با دیده‌ی «کرامت» بنگرند و اگر مهر و عشقی از آنها در ژرفای دلشان نمی‌یابند، یا ادامه‌ی زندگی برایشان خوشایند نیست، چنانچه زیان معنوی و مادی آنها را تهدید نمی‌کند، «شکیبایی» پیشه سازند و با ایشان زندگی کنند (طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۴۸). اگر از جهاتی از همسران خود رضایت کامل ندارند، فوراً تصمیم به جدایی یا بدرفتاری نگیرند و تا آنجا که قدرت دارند، مدارا کنند، زیرا ممکن است در تشخیص خود اشتباه کرده باشند و خدا در آنچه نمی‌پسندند، خیر و برکت و سود فراوان قرار داده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج ۳، ص ۳۲۰).

باید توجه داشت که تعبیر «خیر کثیر» مفهوم وسیعی دارد که یکی از مصادیق آن، فرزندان صالح و با لیاقت است. همچنین حل مشکلات خانواده و داشتن حلم و حوصله برای سعادت فرزندان که بهتر از جدایی و طلاق است، مصداق دیگر آن می‌تواند باشد (قرائتی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۳۰۳).

۸- ضمانت اجرایی قواعد اخلاقی در خانواده

باید توجه داشت حقوقی که با هدف تنظیم روابط اجتماعی و نظم در جامعه شکل گرفته است، برای بارور شدن خود و پیاده کردن اصول انسانی در روابط اجتماعی به اخلاق نیاز دارد. ورود اخلاق به حیطه‌ی حقوق نه تنها اهداف علم حقوق را بر هم نمی‌زند، بلکه آن را تثبیت کرده و بهترین راه‌کارهای عملی را پیش روی قانون‌گذاران ظاهر می‌کند، زیرا اگر چه اخلاق در پی اصلاح فرد است، ولی نتیجه‌ی مستقیم آن تأمین نظم عمومی است و اگر این نظم عمومی در جامعه حاکم نباشد، ناامنی روحی و روانی موجب خواهد شد افراد جامعه نتوانند مصلحت خویش را بیابند. بنابراین وقتی رعایت نکردن قوانین اخلاقی تبعات اجتماعی نامطلوب در جامعه ایجاد کند، قانون‌گذار موظف است برای تعدیل عادات اجتماعی، ضمانت اجرا و کیفر قانونی در نظر گیرد.

قانون‌گذار در پاره‌ای از قوانین درستی قراردادها را موقوف به رعایت قواعد اخلاقی کرده است (مواد ۱۹۱ و ۹۷۵ ق.م). در حقوق خانواده، حقوق و اخلاق را نمی‌توان از هم جدا کرد، چرا که این دو با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند و چه بسا بتوان گفت شرط بقای خانواده اخلاق است، همان طور که شرط نظم و انضباط خانواده حقوق است (نعمتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

تأمین معاش خانواده، تربیت فرزندان و کلیه حقوق متقابل زن و شوهر تنها با رعایت قواعد اخلاقی میسر بوده و رعایت نکردن این امور در دراز مدت به اضمحلال و نابودی خانواده می‌انجامد. آنچه از مذاق شریعت بر می‌آید این است که بعد از بنیان نهاد خانواده، حفظ قداست و استحکام نمودن آن ضرورت دارد. به همین جهت طلاق به عنوان مبعوض‌ترین حلال نزد پروردگار محسوب شده است و تأمین‌کننده‌ی این مهم تنها پایدارسازی اخلاق حسنه در این نهاد مقدس است.

با تقویت زنجیره‌های ارتباطی خانواده و با رعایت اصول اخلاقی هر چه از عمر زندگی خانواده بگذرد، عشق و مهر و وفاداری به موازات آن رشد و این ارتباط را مستحکم می‌کند، به طوری که اعضای خانواده کشش و جاذبه‌ی خاصی میان خود احساس می‌کنند و نسبت به هر حرکت بیرونی مخالف، عکس‌العمل نشان داده و آن را دفع می‌کنند. ولی این امر تنها با هدایت شایسته‌ی والدین در خانواده میسر است و همیشه وضعیت به این منوال نبوده، گاهی نیازمند یاری قانون‌گذار برای حفظ نظام خانواده است.

قانون مدنی کشور ما، گاه در قالب‌های حقوقی، الزام‌های اخلاقی را بیان کرده و به صورت مبهم و مجمل دستوراتی داده است؛ برای نمونه طبق ماده‌ی ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر بوده و باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود همکاری نمایند». حال آنکه هیچ‌گونه کیفر قانونی و یا تعقیب جزایی برای تخلف از این امر در نظر گرفته نشده است. البته احتمال می‌رود قانون‌گذار به دلایلی

برای این گونه تکالیف اخلاقی ضمانتی معین نکرده است. برخی از این دلایل عبارت است از:

- شأن امور اخلاقی را والاتر از تعیین جزا برای آن دانسته است.
- هدف انجام دادن عمل اخلاقی را قرب به پروردگار دانسته و محاسبه‌ی آن را به چگونگی ارتباط بنده با پروردگار منوط کرده است.
- آنچه باید خانواده‌ها در اعمال اخلاقی رعایت کنند، مربوط به احوال شخصیه‌ی آنها و درون خانواده است و قانون‌گذار نمی‌تواند در آن حیطه دستورالعملی صادر و متخلف را مجازات کند.

با این حال هیچ یک از وجوه متصوره، سبب نمی‌شود که قانون‌گذار ضرورت‌های اجتماعی را هنگام قانون‌گذاری رعایت نکند زیرا:

• طبیعی است که شأن یک فعل اخلاقی زمانی رعایت می‌شود که به آن جامعه‌ی عمل پوشیده و زینت اعضای خانواده شود. هنگامی که دیده می‌شود شرایط به گونه‌ای است که در برخی موارد به دلیل غفلت یا اسارت شهوات یا هر دلیل دیگری، اخلاق رعایت نمی‌شود، قانون‌گذار حکیم وظیفه دارد که قانون را وضع کرده و آن را با امکان اجرای عملی قرین سازد.

• قانون‌گذار نوع ارتباط را مشخص کرده و طریقه‌ی وصول به آن را به مجریان قانون محول می‌کند. نفس این امر پیامدهای مثبتی به همراه می‌آورد، زیرا شخص یا اشخاص درصدد یافتن راه، محققانه به کندوکاو پرداخته و با روش آزمون و خطا بهترین عمل را می‌یابند؛ برای مثال اگر زن و شوهری مکلف به حسن معاشرت شوند خود در تکاپو برای یافتن عمل مقبول

طرفین تلاش می‌کنند و مشتاقانه سمت و سوی زندگی خود را جهت داده و بدان پای‌بند می‌شوند و این عمل را در درون خویش نهادینه می‌کنند، این از محسنات تدوین قانون است؛ لکن برای نیل به این هدف شرایطی لازم است، از جمله:

- الف - اعضای خانواده الزام به چنین عملی را پذیرفته باشند.
- ب- زوجین برای تفحص در خصوص بهترین عمل به عنوان یک قاعده‌ی اخلاقی رشد و آگاهی کافی داشته باشند، زیرا با نبود شروط لازم، قانون در همان سطوح تدوین شده خلاصه می‌شود. در حقیقت اگر اعضای خانواده - که به عنوان مجریان قانون هستند - خود را ملزم به این عمل اخلاقی ندانند، این دم قانون را بازدمی نیست تا نتیجه‌ی آن بررسی شود.
- ج- وقتی تعامل و روابط میان اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر طی سالیان طولانی عادلانه نبوده و به تعبیر مقام معظم رهبری علیه السلام به زن ظلم شده باشد،^۱ این ارتباط غیر منطقی میان زن و شوهر باعث می‌شود که عاداتی ناپسند در میان آنها به وجود بیاید که زدودن آن به صورت عادی یا ممکن نبوده یا بسیار دشوار باشد، زیرا در این برهه از زمان، خانواده در جست‌وجوی یافتن عمل صحیح، با بعضی از عملکردهای غلط، با بسیاری از تناقضات فکری و عملی برخورد می‌کند که گاه تشخیص سره از ناسره

۱. «در طول تاریخ به زن ظلم شده که دلیل آن ناشی از جهل بشر است و مشکلات زن نیز نشئت گرفته از این ستم تاریخی و دیرین است. البته عمده‌ی ستم به زن اصلاً در داخل خانواده و به وسیله‌ی شوهر است» (مقام معظم رهبری علیه السلام، بیانات در جمع اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۷۵/۸/۱۴).

برایش نامقدور می‌شود. بنابراین قانون‌گذار موظف است ابهامات و اجملات قانون را برطرف کند و برای آن ضمانت اجرا قرار دهد، زیرا جامعه باید هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ قانونی، با افرادی که تعدی به زن را حق خود می‌دانند برخورد کند، اگرچه این زمینه‌سازی محدود به زمان خاص باشد. در اگر قانون‌گذار معتقد باشد که الزام‌های اخلاقی موجود در قانون، اهداف قوانین حقوقی کشور را تأمین می‌کند و دیگر تفسیر الزامات و تعیین ضمانت اجرا برای آن ضرورت ندارد و به مباحث حقوقی مرتبط نیست، باید منکر اثرپذیری خانواده و جامعه از یکدیگر باشد. در حالی که خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع است و عمل هر یک از ایشان مستقیم یا غیر مستقیم در جامعه تأثیرگذار است، مگر اینکه اعتقاد بر این باشد که میان خانواده و جامعه هیچ سنخیتی وجود ندارد و حسن عمل یا سوء عمل هر یک راهی به دیگری ندارد. این تفکر مقبول نیست، زیرا هر واحد خانواده به طور معمول زمانی که نتواند مشکلات عارضه برزندگی خویش را حل کند، به مقامات ذی‌صلاح و مسئول جامعه از جمله دادگاه مراجعه می‌کند و حکمیت می‌طلبد و راه‌کار صحیح قانونی را ملجأ و پناه خویش قرار می‌دهد و در حقیقت جامعه را با مشکل خویش درگیر می‌کند. کثرت این مشکلات به تدریج جامعه را به بحران‌های واقعی دچار نموده و نظم عمومی را که هدف عمده‌ی تنظیم قواعد حقوقی است برهم می‌زند؛ لذا احتیاط در برهم زدن انضباط اجتماعی، خود موجب برهم زدن آن می‌شود، بنابراین وظیفه‌ی قانون‌گذار است که قبل از فرارسیدن تنگناهای حقوقی و اخلاقی، با نفوذ در

درون خانواده‌ها مشکل را بازیافته و برای آن چاره‌اندیشی کند.

هـ - التفات به این نکته ضروری است که تنها با تعیین تکلیف برای اعضای خانواده نمی‌توان ایشان را به انجام عمل اخلاقی ملزم کرد، بلکه باید به ایجاد راه حل‌های عملی در این باره همت گماشت. بنابراین قانون‌گذار باید در وضع قوانین، برای حفظ هویت خانواده و جلوگیری از افراط‌ها و تفریط‌های بی‌مورد در رفتار، نسبت به اصول اخلاقی شناخت داشته باشد و با تعیین معیارهای لازم به تدوین قانون پرداخته، متخلف از آن را مجرم شناخته و در مقابل جامعه مسئول بداند تا به تدریج رفتارهای صحیح اخلاقی در خانواده و جامعه رشد کرده و به بالندگی برسد (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۵۰؛ بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۷۴؛ آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از نظر قرآن کریم اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین معاشرت به معروف است که به صراحت در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نساء: «وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» به آن اشاره شده است. معروف یعنی هر چیزی که قرآن، روایات، عقل و عرف آن را به رسمیت شناخته و بپسندد. معاشرت به دلیل ساختار واژگانی (باب مفاعله) از مفاهیم اجتماعی دو سویه است. مطابق دستاوردهای نوشتار حاضر اگرچه در آیه‌ی شریفه‌ی مزبور، خطاب معاشرت به معروف به مردان، صراحت و شفافیت کاملی دارد، اما به یقین چنین خطابی هرگز دلیل بر آن نمی‌شود که این اصل اخلاقی در باور قرآنی در باب همسران، با توجه به هدف از ازدواج و فلسفه‌ی آفرینش همسران

یک طرفه باشد، از این رو طبیعتاً چنین فلسفه‌ای اقتضا می‌کند که هر یک از همسران با دیگری به شکل محبت‌آمیز رفتار کند و تنها رفتار یکی از آنها هرگز نمی‌تواند آرامش طرفینی را حاصل آورد.

از بعد حقوقی، قانون‌گذار با الهام از منابع فقهی در ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م.بر لزوم معاشرت به معروف بین زوجین تأکید کرده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». باید توجه داشت دستور حسن معاشرت مندرج در ماده‌ی ۱۱۰۳ نمی‌تواند تنها یک دستور اخلاقی و بدون ضمانت اجرای قانونی باشد، زیرا مطابق تتبع جستار حاضر، حسن معاشرت چیزی جز انجام دادن وظایف حقوقی و اخلاقی نیست؛ لذا می‌توان کسی را که وظایف همسری خود را ترک کند، به سوء معاشرت متهم و طبق ماده‌ی مذکور عمل کرد. عنایت به این امر ضروری است که اگر قانون‌گذار معتقد باشد که الزام‌های اخلاقی موجود در قانون، اهداف لازم از وضع قانون را تأمین می‌کند و دیگر تفسیر الزامات و تعیین ضمانت اجرا برای آن ضرورت ندارد، باید منکر اثرپذیری خانواده و جامعه از یکدیگر باشد؛ حال آنکه این تفکر مقبول نیست، زیرا هر واحد خانواده به طور معمول زمانی که نتواند مشکلات عارضه بر زندگی خویش را حل کند، به مقامات ذی‌صلاح از جمله دادگاه مراجعه می‌کند و راه‌کار صحیح قانونی را ملجأ و پناه خویش قرار می‌دهد و در حقیقت جامعه را با مشکل خویش درگیر می‌کند. کثرت این مشکلات به تدریج جامعه را با بحران‌های واقعی مواجه نموده و نظم عمومی را که هدف عمده‌ی تنظیم قواعد حقوقی است، برهم می‌زند. بنابراین

وظیفه‌ی قانون‌گذار است که قبل از فرارسیدن تنگناهای حقوقی و اخلاقی با نفوذ در درون خانواده‌ها، مشکل را بازیافته و برای آن چاره اندیشی کند.

جدول ۱: پیشنهادهای در خصوص اجرای ماده‌ی ۱۱۰۳ ق.م.

پیشنهادات	مرجع قانونی	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> ● تعیین ضوابط کلی همچون تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود؛ مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب، مشاجره، تحقیر؛ یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد؛ مانند ترک خانواده و اعتیادهای مضر ● رفع ابهام‌ها و اجمال‌های قانونی ● تعیین ضمانت اجرا برای آن 	قوه قضائیه	۱
<ul style="list-style-type: none"> ● تدوین و اجرایی کردن ساز و کارهایی برای ترویج فرهنگ صحیح اسلامی و تقویت زنجیره‌های ارتباطی خانواده. ● تهیه برنامه‌های خاصی در رسانه‌های دیداری و شنیداری برای آسیب‌شناسی یا ارائه‌ی الگوی برتر زندگی و استفاده از وجود کارشناسان متخصص دینی و فرهنگی و برخی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسانی که با مبانی علوم اسلامی آشنایی دارند. ● دعوت از برخی زوجین که الگوی زندگی موفق هستند یا افرادی که تجربه‌های گران‌بهایی در این امر دارند. ● تدوین کتاب‌هایی هدفمند در راستای تبیین نحوه‌ی ارتباط زوجین و توزیع آن در بین جوانانی که در شرف تشکیل خانواده هستند و تشویق آنها به مطالعه‌ی دقیق این آثار. 	قوه مجریه	۲

منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ آذربایجانی، مسعود و همکاران ۱۳۸۲. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- ◀ آلوسی، محمودبن عبدالله ۱۴۱۸. روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ◀ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر ۱۴۱۷. تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه.
- ◀ امامی، سیدحسن ۱۳۷۲. حقوق مدنی خانواده، تهران، کتابفروشی اسلامییه.
- ◀ بهشتی، احمد ۱۳۷۷. خانواده در قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر ۱۳۷۲. حقوق خانواده، تهران، گنج دانش.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله ۱۳۸۹. تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- ◀ حائری شهاباغ، علی ۱۳۷۶. شرح قانون مدنی، تهران، گنج دانش.
- ◀ حرعاملی، محمدبن حسن ۱۴۰۴. وسائل الشیعه، طهران، مکتبه الاسلامیه.
- ◀ حلّی (علامه)، حسن بن یوسف ۱۴۱۳. مختلف الشیعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ داور، زهرا ۱۳۸۲. حسن معاشرت از دیدگاه قانون مدنی و جامعه، تهران، شورای فرهنگی- اجتماعی زنان.
- ◀ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۱۳۷۵. روان‌شناسی رشد، تهران، سمت.
- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲. مفردات الفاظ القرآن، سوریه، دارالعلم.
- ◀ رشیدرضا، محمد ۱۹۹۵. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)، بیروت، دارالمعرفه.
- ◀ زحیلی، وهبه ۱۴۱۲. التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق، دارالفکر.
- ◀ زمخشری، محمودبن عمر ۱۴۱۵. الکشاف، قم، البلاغه.
- ◀ صبری، نورمحمد. «حسن معاشرت زوجین»، دادگستر، ش ۱۵، (۱۳۸۳).
- ◀ صفایی، حسین و اسدالله امامی ۱۳۹۱. مختصر حقوق خانواده، تهران، میزان.
- ◀ طباطبایی، محمدحسین ۱۳۹۴ق. المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ طبرسی، فضل بن حسن ۱۴۱۰. مجمع البیان، بیروت، مؤسسه اعلمی.

- ◀ طوسی، محمدبن حسن ۱۳۸۷. المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویه.
- ◀ _____ ۱۴۱۹. التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ◀ عظیم زاده اردبیلی، فائزه. «مبانی حسن معاشرت در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم»، فقه و حقوق خانواده، ش ۴۸، (بهار و تابستان ۱۳۸۷).
- ◀ فخررازی، محمودبن عمر ۱۴۱۵. التفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر.
- ◀ قرائتی، محسن ۱۳۸۹. تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ◀ قربان‌نیا، ناصر و معصومه حافظی. «بررسی اصل معاشرت به معروف در میان همسران از منظر قرآن کریم»، بانوان شریعه، ش ۲۰، (تابستان ۱۳۸۸).
- ◀ قرطبی، احمدبن محمد ۱۴۰۵. الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ◀ کاتوزیان، ناصر ۱۳۷۵. حقوق مدنی خانواده، تهران، یلدا.
- ◀ مجلسی، محمد باقر ۱۴۰۳. بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ◀ محقق داماد، سید مصطفی ۱۳۸۵. بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ◀ مصطفوی، حسن ۱۳۶۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۶۹. نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۷۶. تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ◀ _____ ۱۴۲۴. کتاب النکاح، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ◀ معلوف، لویس ۱۳۸۲. المنجد، ترجمه‌ی محمد بندر ریگی، تهران، ایران.
- ◀ نجفی، محمدحسن ۱۴۰۴. جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ◀ نعمتی پیرعلی، دل آرا، راحله کاردوانی و مهدی وکیلی. «ملازمه‌ی تکالیف زوجین و اخلاق مداری در خانواده در منابع اسلامی»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۴، (زمستان ۱۳۹۰).
- ◀ هاید، جانت شیبلی ۱۳۷۷. روانشناسی زنان، ترجمه‌ی بهزاد رحمتی، تهران، لادن.
- ◀ هورنی، کارن ۱۳۸۲. روانشناسی زنان، ترجمه‌ی سهیل سمی، تهران، ققنوس.

تحقيق في المادة ١١٠٣ من القانون المدني "إلزام كل من الزوجين أحدهم تجاه الآخر بحسن المعاشرة"

مصطفى رفسنجاني مقدم/على محمدیان

المقتطف

لا يخفى على أحد أن استحكام أي أسرة و قوامها يعتمد قبل كل شيء على أساس حسن الخلق و طيب المعاشرة بين الزوجين. وهذا الأمر وإن كان ثابتاً بحكم العقل إلا أن الشارع المقدس أيضاً لم يعدم إرشاده عليه فأضاء ما ربما كان مبهماً فيه. وعلى صعيد القانون المدني نرى تأكيداً من قبل المقتن على هذا الأمر في مادة ١١٠٣ على خلفية ما هو موجود في المصادر الفقهية فنص على أن: "الزوجة و الزوج مكلفان أحدهم تجاه الآخر بحسن المعاشرة". هذا البحث، بعد التحقيق في أهم المصادر الفقهية (الكتاب و السنة) و سرد مصاديق من المعاشرة بالمعروف انتهى إلى هذه النتيجة وهي أن حسن المعاشرة الوارد في الآية الشريفة "و عاشروهن بالمعروف" من المفاهيم الاجتماعية المتقابلة التي تقضي بوجوب العمل بها من قبل كلا الزوجين. كما أن الموارد المذكورة في القرآن و الروايات هي مجرد أمثلة لا تمنع من شمول النص لكل عمل يكون مقبولاً لدى العقل او يعترف به العرف السائد ليكون أيضاً من مصاديق حسن المعاشرة بالمعروف. و من ناحية حقوقية أيضاً لا يمكن أن يكون دستور حسن المعاشرة المندرج في مادة ١١٠٣ دستورا أخلاقياً محضاً من غير أن تكون له ضمانات إجرائية، لذا على المقتن أن لا يتهاون في وضع القوانين اللازمة في هذا المجال هذا بعد تعيين الأصول الأخلاقية و استخراجها من أعماق الكتاب و السنة و ما هو الثابت في العرف الإسلامي و تحديد معاييرها اللازمة.

المفردات الاساسيه:

حسن المعاشرة، حقوق و تكاليف الزوجين، الضمانة الإجرائية القانونية، مادة ١١٠٣

ق.م.